



مؤلفه‌های حکمرانی در اندیشه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی

محمدرضا قائمی نیک*^۱

یحیی بوذری نژاد^۲

محمد عبیسی^۳

چکیده

حکمرانی، اگرچه مفهومی جدید در ادبیات علوم انسانی است، اما ظهور آن در دهه‌های اخیر، محصول تأمل مجدد متفکران این حوزه در ادبیات گذشته فلسفه سیاسی جهان غرب است. به تناسب این روش، برای دستیابی به معنای اسلامی - ایرانی حکمرانی، باید ایده‌های سیاسی مطرح در سنت اسلامی - ایرانی به‌ویژه در نهضت مشروطه به بعد را بازخوانی کرد. یکی از این ایده‌های سیاسی، ایده سیاسی حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی^{علیه السلام} در دوره مشروطه است که در رساله مکالمات مقیم و مسافر

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: ghaeminik@razavi.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.





مطرح کرده است. در این مقاله، ابتدا پنج مؤلفه حاکمیت قانون، پاسخگویی، مشارکت، شفافیت و کارآمدی را در مفهوم معاصر حکمرانی احصا کرده‌ایم. پس از آن با بهره‌گیری از روش‌شناسی بنیادین، مبانی معرفتی و همچنین شرایط تاریخی - اجتماعی ایشان را در دوره منتهی به مشروطه، در تهران، قم و اصفهان بررسی کرده‌ایم. وی پیش از دوره مشروطه، مبارزات خود را آغاز کرده و با ایفای نقش فعال در نهضت تنباکو، در صدر علمای مشروطه اصفهان قرار داشته است. مؤلفه‌های حکمرانی در رساله مذکور، شامل حاکمیت قانون (نقد سلطنت و تبیین قانون در مشروطه)، پاسخگویی (تأکید بر مفاد آیه وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ)، مشارکت (تأکید بر دارالشوری)، شفافیت (تأکید بر نظارت و مبارزه با فساد) و کارآمدی (تقویت اسلام و رفع موانع عملکرد ضعیف مسلمین) است.

کلیدواژه‌ها:

حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی، مشروطه، حکمرانی، رساله مکالمات مقیم و مسافر، اصفهان.

۱. مقدمه و بیان مسئله

«حکمرانی»^۱ اگرچه مفهومی است که در نیم قرن اخیر در علوم اجتماعی و سیاسی رایج شده، اما از خلال بازخوانی اندیشه‌های سیاسی گذشته سر برآورده است. برای مثال، میشل فوکو در تمایز مفهوم قدرت که در تمام امور اجتماعی و حتی طبیعی منتشر است، از مفهوم سلطه، به معنای حکمرانی اشاره می‌کند و اعمال سلطه را کارکرد اصلی دولت نسبت به روابط قدرت منتشر در امور می‌داند (کیت‌نش، ۱۳۹۳: ۵۶). فوکو از خلال نقد و بررسی مفهوم قدرت در ماکیاوولی، نشان می‌دهد که روابط قدرت در همه امور به صورت منتشر وجود دارد و آن امری که در ماکیاوولی به عنوان قدرت سیاسی شناخته می‌شده، در حقیقت سلطه است. بنابراین، از خلال اعمال سلطه بر روابط قدرت است که حکمرانی شکل می‌گیرد.

با نظر به این مقدمه، ما برای تعریف حکمرانی در شرایط فعلی در جامعه ایران، ناگزیریم که تعاریف گذشته از حکومت، قدرت، دولت و نظایر آنها را که در ارتباط با حکمرانی معنا می‌یابند، بازخوانی کنیم تا از خلال آن بتوانیم به معنای متناسب با سنت اسلامی - ایرانی از حکمرانی دست یابیم. در این بازخوانی، یکی از مقاطع زمانی که مسئله شیوه اعمال قدرت به یکی از مسائل اصلی جامعه ایرانی تبدیل شد، دوره شکل‌گیری نهضت مشروطه بود. در این دوره با نظر به طرح مسئله مشروطه‌خواهی، شاهد انتشار انبوهی از رساله‌های سیاسی بودیم که به مسئله مشروطه به مثابه شکلی از حکومت اندیشیده‌اند. اهمیت این دوره به آن دلیل بود که از یک سو، سابقه هزار ساله حکومت شاهنشاهی یا سلطنتی در ایران به چالش کشیده می‌شد و از سوی دیگر، شکل جدیدی از حکومت با عنوان مشروطه مطرح شد که الگوی آن عمدتاً از کشورهای اروپایی به ایران رسیده بود. این وضعیت مسبب طرح ابهام‌های بسیار زیادی درباره چیستی مشروطه از سوی جریان‌های فکری مختلف شد و به همین دلیل، علمای دینی، منورالفکران و حتی حامیان سلطنت در تعریف و تأیید یا نقد مشروطه‌خواهی، به تألیف رساله‌هایی دست زدند که برخی از آن با عنوان «رسائل مشروطیت» یاد کرده‌اند (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴).



با نظر به این دو مقدمه، در این مقاله سعی خواهیم کرد با بازخوانی یکی از رساله‌های این دوره از حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی به نام مکالمات مقیم و مسافر که در اوج نهضت مشروطه خواهی و هم‌زمان با انتشار اثر مشهور میرزا محمدحسین نائینی به نام تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله (۱۳۲۷ قمری) منتشر شده است، ایده حکمرانی او را استخراج کنیم. همان‌طور که اشاره شد، مفهوم حکمرانی در این رساله مورد اشاره مستقیم قرار ندارد، اما اساساً زایش و تولد مفاهیم در علوم انسانی در دوره معاصر از میان طرح پرسش‌های اکنون از متون تاریخی انجام می‌شود. به همین دلیل، ما در مواجهه با این رساله مهم، می‌کوشیم تا از میان طرح پرسش از حکمرانی، پاسخ حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی را به این پرسش استنتاج کنیم. در ادامه ابتدا به مؤلفه‌های مهم پرسش از حکمرانی اشاره خواهیم کرد. پس از آن، به تبع روش‌شناسی متخذ در این مقاله، مروری مختصر به شرایط دوره مشروطه و تکوین این رساله خواهیم داشت و درنهایت، به صورت‌بندی مفهوم حکمرانی در اندیشه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی خواهیم پرداخت. بنابراین، در این مقاله به دو پرسش پاسخ خواهیم داد:

۱. حکمرانی شامل چه مؤلفه‌هایی است؟

۲. تعریف حکمرانی در اندیشه آقا نجفی اصفهانی براساس مؤلفه‌های فوق چگونه صورت‌بندی

می‌شود؟

۲. ادبیات موضوع و پیشینه

۲-۱. مبانی نظری

۲-۱-۱. تاریخچه بحث از حکمرانی در دوره معاصر

حکمرانی، اگرچه مفهومی جدید است، اما نمی‌توان بدون سابقه تاریخی، تعریفی برای آن اتخاذ کرد. بعضی، ریشه واژه حکمرانی را یونانی و به معنای هدایت کردن و راهنمایی کردن می‌دانند (شریفیانی ثانی، ۱۳۸۰: ۱۴۹) و استفاده از این اصطلاح را به افلاطون نسبت داده‌اند که در قرون وسطی نیز برای حکومت کردن و اداره حکومت به کار برده می‌شده است (هریس^۱، ۲۰۰۸، ۶۲).

۱. Harris

در میان تعاریف مختلف از زوایای گوناگون، تقریباً نوعی اجماع بر این نکته وجود دارد که در حکمرانی، در تمایز از حکومت که بیشتر بر نقش دولت تأکید دارد، بر رابطه دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی (یا حکومت‌شوندگان) تأکید می‌شود (امامی و شاکری، ۱۳۹۴: ۲۸؛ سردارنیا و شاکری، ۱۳۹۳: ۲۸)، (ویس، ۲۰۰۰ و تیسدل، ۱۹۹۴، به نقل از قلی‌پور، ۱۳۸۷) و (کافمن و کرای^۱، ۲۰۰۷؛ گراهام^۲، ۲۰۱۱، ۳۷۴)، هرچند بعضی از آنها بیشتر بر مشارکت بخش مدنی و خصوصی تأکید دارند و بعضی دیگر بر نقش‌آفرینی بیشتر دولت اصرار می‌ورزند.

در کنار این تأکید بر رابطه سه‌وجهی، مفهوم حکمرانی خوب^۳ عمدتاً در ذیل ادبیات توسعه پایدار و با تأکید بیشتر بر اقتصاد شکل گرفته است. براین اساس در مقام تحلیل و بررسی، دو دیدگاه دولت بزرگ یا تقویت و گسترش اقتصادی دولت و دولت کوچک یا کاهش نقش دولت در عرصه اقتصاد مطرح شد و مؤلفه اساسی در آن، توانمندسازی دولت از طریق شایسته‌سالاری، تمرکززدایی، همکاری و نظارت نهادهای مدنی و استانداردهای نظام‌های آماری، پولی و بودجه‌ای است (میدری، ۱۳۸۳: ۲۹-۲۶). بانک توسعه آفریقا، حکمرانی خوب را همان حکمرانی شفاف می‌داند که بر چهار پایه به‌هم‌وابسته یعنی پاسخگویی، شفافیت، قابل‌پیش‌بینی بودن و مشارکت استوار است (موبیس^۴، ۲۰۱۲، ۱۲). براساس جدیدترین تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب در اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی‌شده و صریح حکومت، تصمیمات اداری و سیاسی شفاف، مسئولیت‌پذیری کارگزاران، پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال عملکردهای خود، مشارکت فعال شهروندان و همچنین، برابری همه شهروندان در برابر قانون تبلور می‌یابد (کافمن و کرای، ۲۰۰۷، ۵).

از میان تعاریف پراکنده و متعدد فوق، به نظر می‌رسد باید به دنبال اتخاذ مؤلفه‌های مشترکی بود که براساس آنها بتوان رابطه میان دولت، جامعه مدنی و مردم به‌عنوان بخش خصوصی را تعریف کرد. در ادامه به پنج مؤلفه اصلی حکمرانی خوب که در اغلب منابع مربوط ذکر شده‌اند، اشاره خواهد شد.

۱. Kaufman & Kraay
 ۲. Kaufman & Kraay
 ۳. Good governance
 ۴. mobius



۲-۱-۲. مؤلفه‌های پنج‌گانه حکمرانی

الف) حاکمیت قانون

نویسندگان و آثاری نظیر (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۱۶۵؛ مرکز مالمیری، ۱۳۸۵: ۶؛ هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۴۳) بر نقش حاکمیت قانون در مقابل حاکمیت فرد در تعریف حکمرانی تأکید دارند، زیرا تنها با تبعیت از قانون است که رابطه حکمرانی میان شهروندان و زمامداران به شکل مناسب تعریف می‌شود. حاکمیت قانون به این مضمون اشاره دارد که قانون به‌عنوان مهم‌ترین اصل در مدیریت سیاست عمومی به‌شمار می‌رود و تمامی مقامات حاکمیتی و شهروندان ملزم به رعایت آن هستند و باید در مقابل آن برابر باشند. به این ترتیب، حاکمیت قانون از مفهومی متمایز و مخالف با حاکمیت فرد برخوردار است و ضمن تنظیم رفتار شهروندان، رفتار حکومت را نیز محدود می‌کند. با وجود این، حاکمیت قانون به‌عنوان یکی از اصول حکمرانی مطلوب، بدون یک نظام حقوقی عادلانه، احترام به قوانین یا نظم اجتماعی مبتنی بر قانون امکان‌پذیر نیست (کمپجانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۱۹).

ب) پاسخگویی

در تنظیم رابطه دولت، جامعه مدنی و مردم، پاسخگویی نهاد قدرت یکی از اصول حکمرانی محسوب می‌شود که عمدتاً در جوامع غربی با اصل دموکراسی گره خورده است (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۱۶۷). باین حال، اگر قدرت را در معنای عام آن در نظر بگیریم، این ویژگی نه تنها به مؤسسات و نهادهای دولتی معطوف است، بلکه شامل بخش‌های خصوصی و نهادهای جامعه مدنی نیز می‌شود که باید در مقابل شهروندان و ذی‌نفعان پاسخگو باشند. در حکمرانی مطلوب، مسئولان و نهادها در صورت ضرورت باید پیش‌دستانه به دریافت توصیه‌های شهروندان، تبیین سیاست‌ها و پاسخگویی منظم به مطالبات شهروندان مبادرت ورزند (کمپجانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۱۸). ولش و نورو، این پاسخگویی را در چهار ساحت مالی، مدیریتی، اجتماعی و سیاسی تعریف کرده‌اند (ولش و نورا، ۲۰۰۶، ۱۷۴).



ج) مشارکت

با توجه به نقش حکمرانی در تنظیم رابطه دولت، جامعه مدنی و مردم، اتخاذ سازوکارهایی که در آن بیشترین مشارکت عمومی رقم بخورد، از اصول اصلی یک حکمرانی به‌شمار می‌رود (انهبیتات، ۲۰۰۲، ۸). بنابراین، حکمرانی مطلوب مستلزم سطح بالایی از مشارکت از سوی جامعه مدنی، اقلیت‌ها، زنان و دیگران است. این مشارکت باید فعال، آزاد و معنی‌دار صورت گیرد و ارتباطات جهت‌دار یا گزینشی کافی نیست (ولچ و نورا، ۲۰۰۶، ۱۸۰).

د) شفافیت

با توجه به نقش قدرت در رابطه دولت، جامعه مدنی و مردم، تحقق اصول مذکور نیازمند برقراری روابطی شفاف و به دور از ابهام میان این سه بخش است. پنهان‌کاری امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد، حال آنکه شفافیت مانع از گسترش آن می‌شود. این معیار بر گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود استوار است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۵۴). اصل شفافیت به تمامی ابزارهای تسهیل دسترسی شهروندان به اطلاعات و آگاهی آنها از مکانیسم‌های تصمیم‌گیری اشاره و دلالت دارد. شفافیت عمومی با به کار گرفتن استانداردها و دسترسی به اطلاعات آغاز می‌شود (ولچ و نورا، ۲۰۰۶، ۱۸۲). درواقع، شفافیت اگرچه در قلمروهای مالی، اجتماعی و غیره مطرح است، اما با توجه به نقش قدرت در روابط مربوط به حکمرانی، شفافیت و حق دسترسی به اطلاعات درباره چگونگی شکل‌گیری روابط قدرت مدنظر است. به همین دلیل، شفافیت مستلزم آن است که اطلاعات سیاسی مذکور در زمان مناسب و از طریق رسانه‌های متنوع در اختیار شهروندان قرار گیرد تا بتوانند به شکلی اثربخش در سیاست‌گذاری عمومی مشارکت کرده و بر فرایند مدیریت عمومی نظارت کنند (کمیحانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۱۸).

و) کارآمدی

حکمرانی به دنبال دستیابی به بهترین شیوه برقراری رابطه میان دولت، جامعه مدنی و مردم است



تا براساس آن، بتواند زندگی بهتری را رقم بزند. به همین دلیل، مؤلفه کارآمدی یک الگوی حکمرانی، به‌عنوان جمع‌بندی مؤلفه‌های قبل مطرح می‌شود. کارآمدی به موفقیت فرایندها و نهادهای موجود در تولید نتایج معطوف به تأمین نیازها با توسل به کاربرد بهینه منابع اشاره دارد (ولج و نورا، ۲۰۰۶، ۱۸۶). کارآمدی را می‌توان ناظر به دو قلمرو تعریف کرد: الف) ساختارها، رویه‌ها و فعالیت‌های مشروع و مقبول؛ ب) هزینه‌های مدیریتی و عملکردی معقول و جلوگیری از فعالیت‌های غیر اثربخش یا ناکارآمد که با حکمرانی مطلوب هماهنگی ندارند (کميجانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۲۰).

مؤلفه‌های مذکور از جمله مؤلفه‌هایی هستند که در میان آثار و منابع ذکرشده مشترک بوده‌اند. بااین‌حال، این مؤلفه‌ها قابل بسط هستند، اما به اقتضای اختصار مقاله، به آنها اکتفا می‌کنیم. در ادامه سعی خواهد شد تا براساس این مؤلفه‌ها، دیدگاه حاج‌آقا نورالله نجفی اصفهانی درباره حکمرانی مطلوب را براساس روش‌شناسی ذیل احصا کنیم.

۲-۲. پیشینه پژوهش

رساله مکالمات مقیم و مسافر با وجود اهمیت آن، برخلاف رساله تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. به‌علاوه چنانکه اشاره خواهد شد، در همین پژوهش‌های مختصر نیز موضوع حکمرانی و مؤلفه‌های آن مدنظر پژوهشگران نبوده است. بنابراین، موضوع این مقاله، واجد نوآوری کافی خواهد بود.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

مهم‌ترین یافته‌ها	اهداف یا سؤال‌های اصلی	نویسنده(گان) روش استفاده‌شده
اطلاعات مفیدی درباره شخصیت و جایگاه آیت‌الله نورالله اصفهانی در دوره مشروطیت ارائه داده است.	بررسی تصویر ارائه‌شده از آیت‌الله نورالله اصفهانی در روزنامه‌های عصر مشروطیت	رجایی، (۱۳۸۳)، روش توصیفی
جزئیات خوبی درباره جایگاه رهبری و هدایت جنبش مشروطه توسط حاج‌آقا	بررسی نقش حاج‌آقا نورالله نجفی اصفهانی در انقلاب مشروطیت و	امینی، (۱۳۸۵)، روش تحلیلی



نویسنده(گان) روش استفاده شده	اهداف یا سؤال‌های اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
	رهبری مشروطه‌خواهان اصفهانی	نورالله اصفهانی ارائه کرده است.
جوانی، (۱۳۸۹)، روش تحلیلی	بررسی اندیشه سیاسی حاج‌آقا نورالله در مشروطه اصفهان	تحلیل خوبی نسبت به فعالیت‌ها و اندیشه‌های سیاسی آقانورالله در مشروطه اصفهان داشته است.
نجفی، (۱۳۶۹)، روش توصیفی - تحلیلی	بررسی اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج‌آقا نورالله اصفهانی	اطلاعات جامعی از فعالیت‌های حاج‌آقا نورالله در ادوار مختلف حیاتش ارائه داده است.
صوفی نیارکی، (۱۳۸۴)، روش تحلیلی	توضیح ایده اصلی حاج‌آقا نورالله در اندیشه سیاسی (قدر مقدور) با تأکید بر رساله مکالمات مقیم و مسافر	کندوکاوهای اولیه درباره اندیشه سیاسی او با تأکید بر رساله مکالمات مقیم و مسافر و توضیح مختصات اندیشه سیاسی او
نعیمیان، (۱۳۸۳)، روش تحلیلی	نظریه‌های دولت بر بنیاد گفتمان ثابت سیاسی شیعه در اندیشه سیاسی «مرحوم محلاتی» نائینی و حاج‌آقا نورالله اصفهانی	بررسی مقایسه‌ای اندیشه سیاسی حاج‌آقا نورالله اصفهانی و مرحوم محلاتی نائینی در حوزه مؤلفه‌های دولت
نعیمیان، (۱۳۸۲)، روش توصیفی - تحلیلی	تحلیلی بر رساله مکالمات مقیم و مسافر	ارائه تحلیلی از اندیشه سیاسی حاج‌آقا نورالله در رساله مکالمات مقیم و مسافر با تأکید بر نوع حکومت مدنظر او در بستر توجه به زمینه‌های تاریخی

۲-۱. وجه نوآوری پژوهش حاضر نسبت به مطالعات پیشین

نوآوری پژوهش حاضر از دو جهت قابل بیان و بررسی است: نخست اینکه در این مقاله سعی



شده است تا بسترهای تاریخی آقانورالله اصفهانی در ارتباط مستقیم با اندیشه‌هایش مورد توجه قرار گیرد و صرفاً یکی از این دو وجه، یعنی بسترهای تاریخی یا اندیشه‌های وی، به‌طور مجزا بررسی و تحلیل نشده‌اند. دوم اینکه موضوع این مقاله، یعنی مؤلفه‌های حکمرانی، متفاوت از موضوع اصلی مقالات قبلی است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

با توجه به موضوع مقاله، در این مقاله نیازمند بهره‌گیری از روش‌های تحقیقی هستیم که فرایند تکوین یک اندیشه را در طول تاریخ توضیح داده‌اند. این روش‌ها عمدتاً در ذیل مباحث فلسفه علم یا جامعه‌شناسی علم و معرفت مطرح می‌شوند. توماس کوهن در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی (۱۹۷۹) با بهره‌گیری از مفهوم پارادایم یا میشل فوکو در کتاب دیرینه‌شناسی دانش، با بهره‌گیری از دیرینه‌شناسی، یا در دیگر آثارش نظیر تاریخ جنسیت با استفاده از تبارشناسی، فرایند تکوین یک اندیشه را توضیح داده‌اند. توماس کوهن با قیاس‌ناپذیر دانستن پارادایم‌ها، تحول در نظریات علمی و تکوین یک نظریه را تابع توانایی یک پارادایم علمی در پاسخگویی به مسائل می‌داند (کوهن، ۱۳۸۴). فوکو با طرح رابطه قدرت و دانش، می‌کوشد تا این تحولات را براساس روابط قدرت گفتمانی توضیح دهد (فوکو، ۱۴۰۰).

این‌گونه روش‌ها اگرچه تغییرات علمی را به‌خوبی توضیح می‌دهند و بر نقش عوامل اجتماعی و تاریخی بر شکل‌گیری نظریات علمی تأکید دارند، اما ارتباط یک نظریه علمی را با حقایق مابعدالطبیعی در نظر نگرفته و علم را یک فرایند کاملاً منقطع از مبادی مابعدالطبیعی در نظر می‌گیرند. برای رفع این نقصان و با توجه به اینکه اندیشه حکمرانی آقانورالله نجفی اصفهانی مبتنی بر مبانی مابعدالطبیعی و الهیاتی است، در این مقاله از روش‌شناسی بنیادین بهره‌برده‌ایم. پیش از توضیح این روش، لازم به ذکر است که بهره‌گیری از آن در پژوهش‌های متعددی انجام شده است،^۱

۱. از این روش در حوزه‌های مختلفی بهره‌گرفته شده، اما بعضی از آثاری که به لحاظ موضوعی با پژوهش حاضر مرتبط هستند، به شرح زیر است:



اما متن اصلی آن، متعلق به منبعی است که در ضمن توضیح روش، به آن ارجاع داده می‌شود. مجموعه مبانی و اصول موضوعه‌ای که نظریه علمی براساس آن شکل می‌گیرد، چهارچوب و مسیری را برای تکوین علم پدید می‌آورد که از آن با عنوان «روش‌شناسی بنیادین» یاد می‌شود (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۷۵). براساس این روش‌شناسی، «هر نظریه برای شکل‌گیری و تکوین تاریخی خود از برخی مبانی معرفتی و نیز زمینه‌های غیر معرفتی بهره می‌برد. مبانی معرفتی با آنکه با شیوه‌های منطقی در تکوین تاریخی نظریات دخیل هستند، ارتباطات منطقی نفس‌الامری نیز با نظریه دارند. اما مبادی وجودی معرفتی و غیر معرفتی، عواملی هستند که در حوزه فرهنگ حضور به هم رسانده‌اند و به همین دلیل، شناخت ارتباط این عوامل با نظریات علمی به‌منزله شناخت رابطه نظریه با فرهنگ است» (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۷).

ارتباطات منطقی و معرفتی در این روش‌شناسی، از میان ارتباط جهان اول که موطن حقایق نفس‌الامری است، محقق می‌شود. براساس این روش‌شناسی، در تکوین و شکل‌گیری یک اندیشه یا نظریه، باید به سه حوزه یا جهان توجه شود: جهان نخست، ابعاد منطقی و معرفتی اندیشه است. هر اندیشه‌ای، «نخست به لحاظ نفس‌الامر خود با برخی تصورات و تصدیقات آغازین همراه است. این تصورات و تصدیقات اگر بدیهی یا به ضرورت راست نباشند، به‌عنوان اصل موضوعی یا مصادره که در دانشی دیگر برای متعلم اثبات شده است، لحاظ می‌شود» (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۱۰). این حقایق

- عیسی اسکندری و حمید پارسانیا، «روش‌شناسی بنیادین و بررسی انتقادی اندیشه‌های بودریار»، حکمت اسراء، ش ۳۱، ص ۱۵۰-۱۲۳، (۱۳۹۷).
- حمید پارسانیا و ایمان عرفان‌منش، «روش‌شناسی بنیادین معرفت اجتماعی سید قطب»، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ش ۲، ص ۶۳-۹۲، (۱۳۹۱).
- محمدرضا قائمی‌نیک و حمید پارسانیا، «تکوین علم مدنی فارابی از منظر روش‌شناسی بنیادین»، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ش ۱۴، ص ۹-۳۶، (۱۳۹۷).
- محمدرضا قائمی‌نیک و حمید پارسانیا، «روش‌شناسی بنیادین اندیشه اجتماعی شیخ مفید»، معرفت فرهنگی - اجتماعی، ش ۵۵، ص ۲۵-۴۶، (۱۴۰۲).
- حسن نورمحمدی، «روش‌شناسی مبانی انسان‌شناختی علامه طباطبایی و دلالت‌های اجتماعی آن»، عیار پژوهش در علوم انسانی، ش ۲۵، ص ۲۵-۴۰، (۱۴۰۱).



نفس الامری در فرایند کسب علم و معرفت به جهان دوم که همان جهان ذهن یا عقل انسانی است، منتقل می‌شود. در حکمت اسلامی، این فرایند از طریق اتحاد عقل مستفاد فیلسوف با عقل فعال محقق می‌شود. با این حال، عالم پیش از رسیدن به مقام عقل مستفاد، تحت تأثیر تعلقات نفسانی معرفتی و غیر معرفتی متعددی است. بنابراین، ابعاد وجودی اجتماعی هر متفکری به دو بخش تقسیم می‌شود: زمینه‌های وجودی معرفتی و زمینه‌های وجودی غیر معرفتی.

از این رو، در توضیح جهان دوم باید به تأثیر خود عالم از زمینه‌های اجتماعی نیز توجه شود، زیرا «عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگی و اجتماعی، لایه‌هایی است که عهده‌دار تفسیر انسان و جهان است» (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۱۵). در مقابل، زمینه‌های وجودی غیر معرفتی، زمینه‌هایی هستند که می‌توانند فعالیت علمی عالم را در جهتی خاص رونق بخشند یا افول دهند. برای مثال، «در فرهنگ‌هایی که حقایق علمی با صرف نظر از معرفت و آگاهی فردی و اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شوند و تأملات عقلی و دریافت‌های شهودی و وحیانی نسبت به آن حقایق در بین عالمان و نخبگان علمی آنان حضور زنده دارند، تأثیر زمینه‌های معرفتی در آنها فعال‌تر است. به بیان دیگر، عوامل غیر معرفتی تحت تأثیر زمینه‌های معرفتی در جهت تکوین نظریه‌های علمی فعال می‌شوند» (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۲۰).

پس از تکوین نظریه در ذهن عالم، این نظریه می‌تواند به گفتگو با دیگران بپردازد که در اینجا، جهان سوم رقم می‌خورد. بنابراین جهان سوم، جهان مربوط به پس از شکل‌گیری نظریه یا اندیشه و مقام تحقق آن در قلمرو جامعه و فرهنگ است.

یک نظریه، پس از شکل‌گیری در تعامل با محیط معرفتی و اجتماعی خود قرار می‌گیرد و خود به همراه آثاری که به دنبال می‌آورد، به زمینه‌های وجودی معرفتی و غیر معرفتی تاریخی ملحق می‌شود و به این ترتیب، می‌تواند مسائل علمی جدیدی را ایجاد کند یا آنکه امکان نظریات علمی نوینی را پدید آورد (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۲۱).

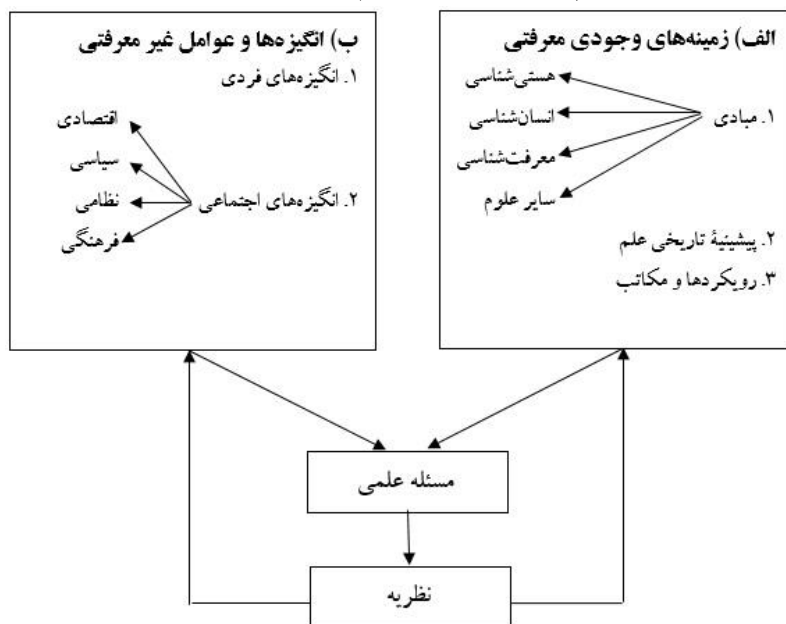
ورود نظریه علمی از فرهنگ مولد به فرهنگ مصرف‌کننده، می‌تواند دو صورت داشته باشد: مصرف و مواجهه فعال و مصرف منفعل (همان: ۲۳). از نظر پارسانیا، در الگوی مواجهه فعال که نمونه آن مواجهه فرهنگ اسلامی سده‌های نخستین با تمدن یونانی است، «فرهنگ



مصرف‌کننده در انتخاب نظریه، قدرت‌گزینش دارد و نظریه‌ها را برای حل مسائل داخلی خود یا حتی مسائلی که بر اثر ارتباط با فرهنگ دیگر برای آن پیش آمده است، با لحاظ زمینه‌های معرفتی و انگیزه‌ها و عوامل غیر معرفتی خود انتخاب می‌کند. در این حال، نظریه هنگام انتقال به‌وسیله مصرف‌کننده بازخوانی و در صورت لزوم بازسازی می‌شود» (همان).

آخرین مرحله از شکل‌گیری یک نظریه براساس روش‌شناسی بنیادین، مرحله حل مسئله براساس جهان‌های سه‌گانه قبلی است. «مسئله علمی، پدیده‌ای است که در شرایط مختلف تاریخی، تحت تأثیر عوامل معرفتی و غیر معرفتی پدید می‌آید و مسئله، پدیده‌ای است که بر اثر ناسازگاری در درون یک مجموعه فرهنگی به وجود می‌آید و به همین دلیل، امری نسبی و تاریخی است» (پارسانیا، ۱۳۹۲: ۲۰).

در این مقاله، مسئله حکمرانی و مؤلفه‌های آن در دوره مشروطه، مسئله‌ای است که آقانورالله نجفی اصفهانی با دیدگاهی که از ارتباط جهان اول و دوم اخذ کرده است، به طرح و حل آن می‌پردازد و با نوشتن کتاب مکالمات مقیم و مسافر، در جهان سوم پا می‌گذارد.



شکل شماره ۱: نمودار روش‌شناسی بنیادین



۴. یافته‌های پژوهش

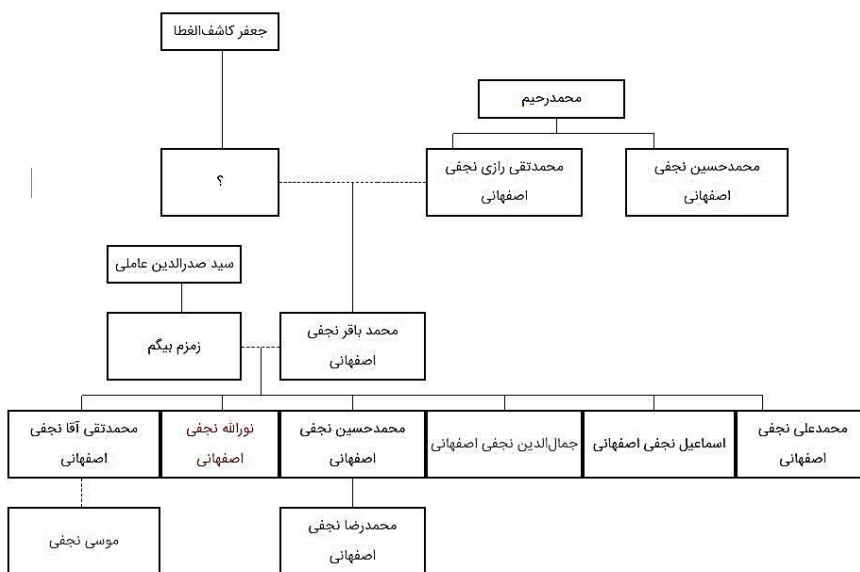
۴-۱. حکمرانی در رساله مکالمات مقیم و مسافر حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی

۴-۱-۱. زمینه‌های فکری و معرفتی حاج آقا نورالله

مطابق روش‌شناسی این مقاله، دیدگاه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی درباره حکمرانی، از یک سو متأثر از شرایط تاریخی و اجتماعی است که ایشان در دوره مشروطه تجربه آن را از سر گذرانده و از سوی دیگر، تحت تأثیر مبانی معرفتی و فکری است که آنها را کسب کرده است. در این بخش، ابتدا به بررسی زمینه‌های فکری و معرفتی حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی و پس از آن، از خلال بررسی شرایط شکل‌گیری نهضت مشروطه در ایران، شرایط تاریخی - اجتماعی حاکم بر ایشان را بررسی خواهیم کرد. ماحصل این دو بخش، در اقدامات ایشان از جمله اقدامات سیاسی از نهضت تنباکو تا مشروطه و انتشار رساله مکالمات مقیم و مسافر خواهد بود.

حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی (متولد ۱۲۷۸ ق/ ۱۲۴۹ ش در اصفهان)، فرزند مرحوم آیت‌الله حاج شیخ محمدباقر نجفی اصفهانی و نوه حضرت آیت‌الله شیخ محمدتقی رازی نجفی اصفهانی یا ایوان‌کیفی، صاحب کتاب مشهور هدایه المسترشدين، از علمای درجه اول اصفهان بود (بامداد، ۱۳۷۱: ۳۹۴-۳۹۳). مادرش علویه زمزم بیگم، دختر آیت‌الله سیدصدرالدین عاملی از مراجع مشهور بود (نجفی، ۱۳۶۹: ۶). در تصویر زیر، شجره‌نامه ایشان به تصویر کشیده شده است.





شکل شماره ۲: شجره‌نامه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی

نام اصلی او، مهدی بود، اما به نورالله مشهور شده بود. از حیث تأثیر از مبانی معرفتی، وی تحصیلات مقدماتی علوم اسلامی را نزد پدر گذراند و برای ادامه تحصیلات در سال ۱۲۹۵ق، ابتدا عازم نجف و سپس سامرا شد و در زمره شاگردان مرجع بزرگ شیعه، آیت‌الله میرزا محمدحسن شیرازی قرار گرفت. دیگر اساتید مشهور وی، میرزا حبیب‌الله رشتی، محمدطه نجف، سیدصدرالدین کاظمینی، میرزا حسین خلیلی تهرانی و سیدمحمدکاظم یزدی بودند و به او گواهی اجتهاد و روایت حدیث دادند (نجفی، ۱۳۷۸: ۲۸). وی در سیر و سلوک و عرفان از برادرش آیت‌الله شیخ محمدحسین نجفی تأثیر پذیرفته بود و پس از این دوره، به اصفهان برگشت و مشغول تدریس شد (نجفی، ۱۳۷۸: ۷-۹). به گواهی کتاب المآثر و الآثار، در سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۷۸ قمری، از علمای تراز اول اصفهان بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۳۴۹).

مشرّب اساتید حاج آقا نورالله نشان می‌دهد که او نیز دارای مشرب اصولی - فقهی و به دور از مشرب اخباریان بوده است. همچنین به دلیل همین تأثیر، در زمره علمایی بوده که نسبت به تحولات سیاسی و اجتماعی بی‌توجه نبوده‌اند. وی در دوره حضورش در اصفهان به‌عنوان عالم تراز اول نیز به دستورات و نظرات مرحوم آخوند خراسانی توجه داشته است. جلال‌الدین همایی در مقدمه دیوان



طرب، از قول مرحوم طرب متذکر می‌شود که مرحوم طرب، مرحوم حاج آقا نورالله مسجدشاهی (بامداد، ۱۳۷۱: ۳۹۴) را به صفت شهامت، شجاعت اخلاقی، عدم حرص بر تکثیر مال، قیام بر ضد دستگاه حکومت ظالم جبار، روح وطن‌دوستی و طرفداری جدی او از مشروطیت و آزادی‌خواهی و امثال این مزایا که در وجود وی مجتمع بود، بسیار می‌ستود و با او معاشرت و همکاری صمیمانه‌ای داشت (امینی، ۱۳۸۵: ۲۸).

مبارزات ایشان در مجموع در چهار مقطع حساس از زندگی‌اش شکل گرفت: ۱. در فرونشاندن شورش و تهاجم‌های بابیه در روستای سده اصفهان در سال ۱۳۰۷ق که با انگیزه دینی و مبارزه با آن فرقه ضاله در کنار برادرش آقاجنقی صورت گرفت؛ ۲. تجربه مبارزاتی ایشان در رخدادهای نهضت تنباکو در راستای اجرای حکم قاطع و شرعی آیت‌الله میرزای شیرازی و مبارزه با استیلای استعمار انگلیس رقم خورد؛ ۳. پانزده سال پس از حادثه تنباکو، فعالیت حاج آقا نورالله در جریان نهضت مشروطه در اصفهان و بخش جنوبی ایران نمایان شد که موفق به تشکیل انجمن مقدس ملی اصفهان و مطرح کردن مشروطه از منظر دین شد؛ ۴. تلاش و تعامل دینی - سیاسی حاج آقا نورالله که سرانجام به شهادت ختم شد، در اوایل دوره پادشاهی رضاشاه علیه اجرای سیاست‌های دین‌ستیزانه غرب و غرب‌گراها، با بهانه مبارزه با قانون نظام وظیفه اجباری طلاب علوم دینی و مهاجرت وی و یاران روحانی‌اش از سراسر کشور به قم صورت گرفت (امینی، ۱۳۸۵: ۲۷).

تمرکز اصلی ما با توجه به رساله مکالمات مقیم و مسافر، بر دوره سوم است؛ هرچند پیش از ورود به آن، ناگزیر برای فهم بهتر شرایط مبارزاتی او، باید مروری بر زمینه‌های شکل‌گیری نهضت مشروطه در ایران با تمرکز بر حوادث تهران و اصفهان داشته باشیم.

۴-۱-۲. مروری بر شرایط تاریخی - اجتماعی منتهی به نهضت مشروطه در تهران

با حمله مغول، اهمیت عنصر ایلات در تعیین سرنوشت سیاسی ایران، اهمیتی بسزا یافت (شمیم، ۱۳۹۳: ۱۹) و تشکیل حکومت صفویه و قاجار نیز از آن مستثنا نبود. قاجارها یکی از هفت شاخه اصلی قزلباش‌ها بودند که در تأسیس سلسله صفوی نقش اساسی داشتند. با تأسیس سلسله صفوی، ایل قاجار مأمور حفظ سرحدات ایران در گرگان و سردشت شد و در دشت‌های کنار رود گرگان و



اترک اقامت گزید. پس از دوره صفویه، به‌رغم برخی شورش‌ها، اما ایل قاجار تا دوره آقامحمدخان نتوانست قدرت مرکزی را در دست بگیرد (نجفی و حقانی، ۱۳۹۲: ۴۴-۴۳). با قدرت‌گیری قاجارها در ایران، در سطح جهان انقلاب کبیر فرانسه و ظهور ناپلئون اول نیز رقم خورد (شمیم، ۱۳۹۳: ۳۸).

در دوره فتحعلی‌شاه، در سال ۱۲۱۸ قمری و به دنبال الحاق گرجستان به ایران، جنگ‌های ده‌ساله‌ای بین ایران و روس شکل گرفت که در پایان آنها و در ضمن دو عهدنامه گلستان (۱۲۲۸ ق/ ۱۸۱۳ م) و عهدنامه ترکمانچای (۱۲۴۳ ق/ ۱۸۲۸ م)، ایران دچار شکستی سنگین شد (نجفی و حقانی، ۱۳۹۲: ۶۲-۶۰). این شکست که عمدتاً ناشی از همت و انگیزه عموم مردم یا علما یا حتی دربار قاجار برای مقابله با روس‌ها، بلکه به دلیل نابسامان بودن بخش‌های مختلف حکومت و خیانت‌های بخش‌های مشتت و پراکنده دربار، به‌ویژه سفرای خارجی نظیر میرزا ابوالحسن خان ایلچی (سفیر ایران در انگلستان) یا میرزا عسگرخان افشار ارومی (فرستاده ایران به دربار ناپلئون) و به‌طورکلی، درک نادرست از منافع ملی و دینی رقم خورد، باعث شد تا شکست ایران از دیگر قدرت‌های اروپایی یا حتی منطقه‌ای نیز تکرار شود. این شکست‌های پیاپی و نابسامانی‌ها باعث شد تا افراد آگاهی، نظیر عباس میرزا، به طرح پرسش‌هایی بنیادین درباره شیوه حکمرانی در ایران پردازند.

عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی‌شاه، در پرسش مشهور خود از ژوبر، نماینده فرانسه در جریان عهدنامه‌های مذکور، این دغدغه را این‌طور بازنمایی می‌کند: «نمی‌دانم این قدرتی که شما (اروپایی‌ها) را بر ما مسلط کرده و موجب ضعف ما و ترقی شما شده، چیست؟ شما در قشون جنگیدن، فتح کردن و به کار بردن قوای عقلیه متبحرید و حال آنکه ما در جهل و شغب غوطه‌وریم] و به‌ندرت آتیه را در نظر می‌گیریم. مگر جمعیت، حاصلخیزی و ثروت مشرق زمین از اروپا کمتر است؟ یا آفتاب که قبل از رسیدن به شما به ما می‌تابد، تأثیرات مفیدش بر سر ما کمتر از شماست؟ یا خدایی که مراحمش بر جمیع ذرات عالم یکسان است، خواسته [که] شما را بر ما برتری دهد؟ گمان نمی‌کنم. اجنبی حرف بزن! بگو من چه باید بکنم که ایرانیان را هشیار نمایم» (ژوبر، ۱۳۹۵: ۹۵).

پاسخ به این پرسش و نظایر آن، در دوره‌های بعد باعث اقداماتی می‌شود که در رأس آنها می‌توان به بهره‌گیری از مستشاران نظامی برای نظم بخشیدن به ارتش ایران و تأسیس دارالفنون توسط میرزا تقی‌خان امیرکبیر در دوره ناصرالدین‌شاه اشاره کرد. اعزام بخشی از تحصیل‌کردگان یا وابستگان به



دربار قاجار به اروپا برای اخذ فنون جدید، باعث ایجاد تحولاتی عظیم در جامعه فکری ایران و شکل‌گیری طبقه‌ای جدید به نام «منورالفکران» در ایران شد. این اعزام‌ها و سفرهای اروپایی و نیز به‌کارگیری مستشاران اروپایی، نیازمند هزینه‌هایی بود که دربار قاجار عمدتاً آنها را از خلال عقد قراردادهای استعماری تأمین می‌کرد. در واکنش به این قراردادها بود که نهضت‌هایی نظیر تحریم تنباکو با فتوای میرزای شیرازی در پاسخ به استفتای شیخ فضل‌الله نوری (۱۳۰۹-۱۳۰۸ ق) شکل گرفت.

الگویی که در جریان نهضت تنباکو شکل گرفت، در ادامه منجر به خواست عمومی مردم برای تشکیل عدالت‌خانه شد. حوادثی مانند اهانت موسیو نوز بلژیکی به مردم و روحانیت در ۱۳۲۲ق، تأسیس بانک استقراضی روس در قبرستان کنار بازار تهران (نجفی و حقانی، ۱۳۹۲: ۱۵۸-۱۶۳)، ظلم‌ها و ستم‌های عبدالمجید میرزا عین‌الدوله در مقام صدارت شاه و درنهایت، حادثه کرمان، زمینه‌های شورش عمومی را فراهم کرد (شمیم، ۱۳۹۳: ۳۲۱-۳۲۰).

اعتراض علمایی همچون سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی، مشروطه اول را در تهران رقم زد. در استمرار این اعتراض‌ها، بخشی از معترضان در واکنش به نقش روسیه در اقدامات استبدادی عین‌الدوله، به سفارت انگلستان پناه بردند و خواست‌های خود را در چند مرحله بیان کردند: «عزل عین‌الدوله از صدارت، کیفر دادن قاتلان شهدای وطن، بازگشت دادن علما از قم و عودت دادن تبعیدشدگانی همچون حاجی میرزا حسن رشیدی و دیگران به تهران و افتتاح دارالشورای ملی.» با گسترده‌تر شدن مخالفان در سفارت انگلیس و برکناری عین‌الدوله، ناگزیر در روز چهاردهم جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۴ق، مطابق با سیزدهم یا چهاردهم مردادماه سال ۱۲۸۵ش، فرمان مشروطیت صادر شد (شمیم، ۱۳۹۳: ۳۲۸-۳۲۷).

۴-۱-۳. زمینه‌های شکل‌گیری نهضت مشروطه اصفهان و نقش حاج آقا نورالله در آن

الف) حاج آقا نورالله و نهضت تحریم تنباکو

پیش‌تر به نقش نهضت تحریم تنباکو در نهضت مشروطه اشاره شد. در این نهضت، دیگر شهرها از جمله اصفهان نیز همراهی کردند. در اصفهان از اواخر سال ۱۳۰۸ق که تحریمات ضد قرارداد



رژمی آغاز شد و رنگ مذهبی به خود گرفت، حاج آقا نورالله نجفی با نقد حکومت مرکزی و ودخالت انگلیسی‌ها، به اتفاق ملا محمدباقر فشارکی، شیخ محمدعلی ثقه‌الاسلام و آقانجفی (برادر حاج آقانورالله) علیه قرارداد قیام کردند و در اجتماع بزرگ تخت فولاد، حکم به تحریم تنباکو دادند (صفایی، بی تا: ۱۴۰-۱۶۷). ناصرالدین شاه نیز برای مقابله با قیام علما در اصفهان، پسرش مسعود میرزا ظل السلطان را مأمور سرکوبی این جنبش کرد، اما با مقاومت مردم و تجار اصفهانی، ناکام ماند (امینی، ۱۳۸۵: ۲۹).

ب) تأسیس شرکت اسلامی و شرافت

در راستای مبارزات حاج آقا نورالله با استعمار اقتصادی استعمارگران خارجی، ایشان با همراهی برادرش، در سال ۱۳۱۵ق با امضا و نصب اعلامیه‌ای به دیوار مساجد اصفهان، اقشار مختلف مردم را به استفاده از کالاهای داخلی دعوت کرد (امینی، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۹). وی پس از مدتی به همراه ملک‌المتکلمین و برخی از تجار اصفهان، با هدف استقلال اقتصادی، بی‌نیازی از ممالک خارجی و احیا و تشویق صنایع داخلی در سال ۱۳۱۸ق، اقدام به تأسیس شرکت اسلامی، ابتدا در اصفهان و پس از آن در دیگر شهرهای ایران کرد و هسته اولیه تأسیس کارخانجات بزرگ به سبک نوین در اصفهان و سایر شهرهای ایران را پایه‌گذاری کرد (ملک‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۳۸).

تحریم کالاهای خارجی به دست حاج آقا نورالله، آقانجفی و شرکت اسلامی اصفهان، به حدی برای خارجی‌ها گران تمام شد که دولت روس به وزیر امور خارجه ایران در مورد تحریم معاملات تجاری با کمپانی‌های خارجی از سوی روحانیون اصفهان اعتراض و تقاضا کرد در صورتی که حاج آقا نورالله در تحریم کالاهای خارجی مداومت کند، او را از اصفهان تبعید کنند (بشیری، ۱۳۶۲: ۱۲۷-۱۲۶؛ معاصر، ۱۳۵۳: ۵۵۷). هشت تن از علمای بزرگ و مراجع تقلید آن زمان، یعنی سید اسماعیل صدرالدین عاملی، حاج میرزا حسین، حاج میرزا خلیل، سید محمد کاظم یزدی، محمد غروی شریانی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، محمدحسن ممقانی، حاج میرزا حسین نوری و میرزا فتح‌الله اصفهانی (شریعت اصفهانی) بر رساله شرکت اسلامی تقریظ نوشتند و کمک به این شرکت را مساوی مبارزه با نیروی کفر دانستند (امینی، ۱۳۸۵: ۳۰).



حاج آقا نورالله چند سال پس از تأسیس شرکت اسلامی، شرکت شرافت را به منظور ترویج کالاهای وطنی، رفع احتیاج به خارج، توسعه شغل، کسب و کار و مصالح مردم ایجاد کرد (امینی، ۱۳۸۵: ۳۰). یکی دیگر از مهم‌ترین ابعاد مبارزاتی حاج آقا نورالله، به مخاطره انداختن منافع و مطامع سیاسی دول بیگانه و سلب اعتبار از قدرت‌های غرب و شرق بود.

پ) تأسیس انجمن صفاخانه

در کنار توجه به قلمرو اقتصاد، حاج آقا نورالله نسبت به قلمرو امور فرهنگی نیز عنایت خاصی داشت. او در واکنش به اعزاز مبلغان مسیحی - که در هندوستان آموزش زبان فارسی می‌دیدند - به اصفهان و توزیع کتب و جزوات متعدد در رد اسلام در سال ۱۳۲۰ق، به‌ویژه در دوره مظفرالدین‌شاه، با همراهی برادرش و با مشورت رکن‌الملک شیرازی، سید محمدعلی داعی‌الاسلام را برای مبارزه با آنان تعیین کردند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۴۰). ایشان همچنین با تأسیس انجمن صفاخانه در سال ۱۳۲۰ق، در محله جلفای اصفهان با آنان مقابله کرد و در همین زمینه، روزنامه‌ای به نام «الاسلام» به سرپرستی داعی‌الاسلام منتشر کرد (ابطحی، ۱۳۷۰: ۷). در استمرار این اقدامات بود که رساله مکالمات مقیم و مسافر در سال ۱۳۲۷ق از سوی او در توضیح مشروطه منتشر شد (امینی، ۱۳۸۵: ۳۱).

ث) حاج آقا نورالله و نهضت مشروطه

فعالیت‌های حاج آقا نورالله و برادرش به تبعید کوتاهی به تهران و دوری از اصفهان منجر شد. حاج آقا نورالله و برادرش آقاجنقی در سال ۱۳۲۱ق با استقبال بی‌نظیر مردم به تهران وارد شدند و به مدت یک سال در تهران ماندند و سپس در سال ۱۳۲۲ق به اصفهان مراجعت کردند (مهدوی، ۱۳۶۷: ۴۷۵). در اصفهان وی به همراه آیت‌الله سیدحسن مدرس، سیدالعراقین و میرزا احمد بیدآبادی در حل امور مسلمین همیاری نزدیکی داشتند (مدرسی، ۱۳۶۶: ۳۱۱). حاج آقا نورالله که هنوز مدت چندانی از بازگشتش از تبعید سپری نمی‌شد، در همان سال ۱۳۲۲ق به نهضت عدالت‌خانه و گروه مهاجرت کبرای قم و به صف متحصنان قم پیوست و در صدر رهبران مخالف



استبداد قرار گرفت. پس از آنکه مهاجران در کار خود موفق شدند و مشروطیت برپا شد، به اصفهان بازگشت. در این زمان آقانجفی به‌عنوان رهبر معنوی جنبش مشروطه اصفهان و حاج آقا نورالله با تکیه بر موقعیت برادر، رهبری سیاسی آن را بر عهده گرفت.

از نظر فکری - سیاسی، وی حدفاصل دو تفکر مشروطه‌خواه افراطی و غربی با مشروطه‌خواه مشروعه قرار داشت و به مشروطه به‌عنوان حکومتی براساس قانون اسلام می‌نگریست و از آن حمایت می‌کرد. حوادث جنبش مشروطیت اصفهان به رهبری حاج آقا نورالله به دو دوره تقسیم می‌شود: الف) حوادثی که برای تحقق مشروطیت و ایجاد مجلس تا قبل از به توپ بسته شدن مجلس اول توسط محمدعلی شاه در اصفهان به وقوع پیوست؛ ب) حوادثی که از به توپ بستن مجلس شورای ملی شروع شد و تا فتح تهران و خلع محمدعلی شاه ادامه یافت (امینی، ۱۳۸۵: ۳۱).

با آغاز انقلاب مشروطه و پس از صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی در تهران، مردم و علمای اصفهان تصمیم به ایجاد مجلس محلی و انتخاب وکلا گرفتند. در ذی القعدة ۱۳۲۴ق، انجمن ولایتی با نام انجمن مقدس ملی اصفهان در این شهر ایجاد شد و نماینده اصناف مختلف تعیین شدند. این انجمن برآمده از ماهیت مستقل مردمی و قاطع رهبران روحانی مشروطه اصفهان بود که با اقتدار، شفافیت و کارآمدی در عرصه سیاسی - فرهنگی کشور ظاهر شد و با بهره‌گیری از حمایت بی‌دریغ روحانیون فعال اصفهان، به‌ویژه حاج آقا نورالله و آقانجفی و استفاده از ابزار کارآمدی مانند روزنامه «انجمن مقدس ملی اصفهان»، آرمان‌ها و اهداف مردمی خود را پیگیری کرد. سرانجام، به‌رغم تقابل با جریان‌های غرب‌گرا، حاج آقا نورالله ریاست مشروطه‌خواهان و انجمن اصفهان را بر عهده گرفت و دست فرصت‌طلبان، از جمله شاهزاده مسعود میرزا ظل‌السلطان، پسر ناصرالدین شاه را از این مجلس ملی کوتاه کرد و کنترل یکی از مهم‌ترین ارکان سیاسی را به کمک همفکرانش از جمله صدرالعلماء، امین‌التجار، افتخارالحکما و دکتر مسیح‌خان و برجسته‌ترین آنها، آیت‌الله سیدحسن مدرس، به دست گرفت.

این انجمن ملی بین سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۴ق، پس از مهاجرت قم و قبل از به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی و شروع استبداد صغیر دایر بود. مشروح مذاکرات انجمن ملی اصفهان از اهمیت فراوانی در دوران مشروطیت برخوردار است که بررسی این مذاکرات، نکات تاریکی از تاریخ



مشروطیت و ناگفته‌های بسیاری درباره افکار و اندیشه‌های علما و رجال عصر مشروطه در اصفهان را روشن می‌کند (امینی، ۱۳۸۵: ۳۲).

حکومت رسمی حاج‌آقا نورالله در این زمان بر اصفهان، بختیاری و نواحی مرکزی، یکی از مهم‌ترین الگوهای حکومتی شیعه در این مناطق به‌شمار می‌رفت، زیرا در این زمان فرصتی دست داد تا آرمان‌های سیاسی اسلام را با توجه به دستورات و نظرات آخوند خراسانی، در سطحی وسیع اجرا کند. در حقیقت، حکومت دینی - سیاسی به دست وی در آن ناحیه مستقر شد؛ به‌گونه‌ای که غرب‌زدگانی مانند کسروی و برخی مورخان غرب‌گرای مشروطه، روند حاکمیت مشروطه در اصفهان را مشروطیت آخوندها دانسته و آن را مورد حمله قرار داده‌اند. همچنین، در گزارش نماینده لندن در تهران آمده است که اصفهان زیر سلطه آخوندهاست. در مدت حاکمیت مجتهد مطلق حاج‌آقا نورالله، گام‌های اساسی بسیاری برای رفاه مردم منطقه اصفهان برداشته شد (صفایی، ۱۳۷۰: ۱۴۴).

ظل‌السلطان، حاکم مستبد قاجاری در طول دوره سی‌ساله حاکمیت خود بر اصفهان، هرگونه قیام مشروطه‌خواهانه در اصفهان را سرکوب می‌کرد. در جریان یکی از این سرکوب‌ها، مردم به دستور آقاجنقی و حاج‌آقا نورالله در تلگراف‌خانه دولتی متحصن شدند و از رهبران مشروطه و مجلس کمک طلبیدند و خواستار رفع مظالم حاکم شدند. جمعی از اصفهانی‌های مقیم تهران هم که از ظلم ظل‌السلطان در تهران به سر می‌بردند، با قیام‌کنندگان هم‌صدا شدند و در مجلس شورای ملی تحصن کردند و با پایداری و مقاومت، ظل‌السلطان را سرنگون کردند و انجمنی در اصفهان پدید آوردند (ملک‌زاده، ۱۳۶۲: ۲۵۳-۲۵۲).

در سال ۱۳۳۵ق، با توصیه حاج‌آقا نورالله، قشون ملی از نیروهای مردمی تشکیل شد و در ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ق پس از پایان مذاکرات انجمن ملی، با نام فدائیان در اطراف چهل‌ستون اصفهان مشق کردند و با آراستن صف نظامی در پیش‌روی حاج‌آقا نورالله تا میدان شاه اصفهان رژه رفتند (امینی، ۱۳۸۵: ۳۳). این بسیج عمومی مردم، حکایت از نفوذ حاج‌آقا نورالله و قدرت و درایت وی در بسیج توده‌های مردم داشت؛ چنانکه در هفتم صفر ۱۳۲۶ق، مقرر شد صاحب‌منصبان فوج جلالی، چهارمحال و سوارهای فتحیه در دفتر انجمن حاضر شوند و قسم یاد کنند که به ملت و دولت



خیانت نکنند. انجمن ملی اصفهان با مدیریت صحیح حاج آقا نورالله، توانست با همه نقاظ ایران ارتباط برقرار کند.

حکومت اسلامی که به ریاست سیاسی حاج آقا نورالله در اصفهان پیاده و اجرا شده بود، از نظر عقیدتی و شرعی بر مبنای مشروعیت، ولایت فقیه و مجتهد سیاسی و آگاه به زمان استوار بوده است. از این رو، بزرگان فقها و سرآمدان علمای زاهد حوزه علمیه اصفهان اطاعت وی را واجب می دانستند و او را تأیید می کردند و در مبارزات سیاسی اش با استعمار و استبداد، با او همراه بودند (امینی، ۱۳۸۵: ۳۳). مبارزات حاج آقا نورالله با استبداد و استعمار تا آخرین روز حیاتش تا دوره رضاخانیه همچنان ادامه داشت که با توجه به موضوع این مقاله، از ذکر آنها صرف نظر می کنیم.

ج) تدوین رساله مکالمات مقیم و مسافر

اکنون با توجه به مبانی معرفتی و شرایط تاریخی و اجتماعی مؤثر بر اندیشه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی، می توان دریافت که رساله مکالمات مقیم و مسافر، در چه فضای فکری و اجتماعی منتشر شده است. مکالمات مقیم و مسافر، رساله ای سیاسی از حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی است که تاریخ اتمام کتابت رساله، رجب سال ۱۳۲۷ هجری قمری است. این رساله همانند رساله فلسفی - فقهی تنبیه الامه و تنزیه المله که در تبیین مشروطه اسلامی و حکومت از دیدگاه اسلام نوشته شده بود، در سال های فترت بین مشروطیت اول و مشروطیت دوم نگاشته شده است و نویسنده در این رساله، روایتی اسلامی از نظام سیاسی مشروطیت ارائه می دهد (صوفی نیارکی، ۱۳۸۴: ۷۱).

مکالمات مقیم و مسافر را که پس از سال ها ناشناخته بودن، اکنون نام و نشان در منابع اندیشه سیاسی اسلام مطرح می شود، می توان هم سنگ سایر رسائل عصر مشروطه از قبیل تنبیه الامه و تنزیه المله مرحوم نائینی دانست و در کنار مبارزات و مجاهدات سیاسی - اجتماعی مرحوم حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی رحمته الله علیه از بینش عمیق و اندیشه پویای او در فلسفه سیاسی اسلام بسیار آموخت. در اولین چاپ این رساله و اولین صفحه کتاب در چهار گوشه صفحه، کلمات عدالت، حریت، مساوات و آزادی نقش بسته شده است. مضمون این کتاب بر دفاع فکری از نوعی قرائت شرعی از مشروطیت بوده و حاج آقا نورالله درصدد پاسخگویی به سؤال های نظام پارلمانی و مشروطه برآمده است. این





کتاب طرحی نظریه پردازانه در قالب مباحثه و گفتگو است که طی آن، عالم مشروطه خواه با عالم مشروطه خواه به گفتگو می پردازد و سرانجام، عالم مشروطه خواه به اشکالات عالم مشروطه خواه، جواب داده و ایشان نیز به وجوب مشروطه حکم می کند. حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی در این رساله در صدد پاسخگویی به پرسش های مخالفان مشروطه است که از موضع استبدادی یا از موضع مذهبی به مخالفت با مشروطیت می پرداختند و با حرکات مشروطه خواهان مخالفت می کردند.

سبک رساله، مبتنی بر گفتگو است و در قالب پرسش و پاسخ تهیه شده و از این لحاظ در نوع خود بدیع است. این ویژگی حکایت از ذوق لطیف نویسنده دارد که مجتهدی اصولی و عالمی آشنا با زمانه است. در این رساله، حاج آقا نورالله به عنوان «مسافر» که نماد یک مشروطه خواه دینی است با «حاجی مقیم» که نماینده چهره های دینداری است که بر اثر اقدامات ضد دینی برخی مشروطه خواهان نسبت به مشروطیت بدبین شده بودند، با حضور ناظری به نام «میرزا هدایت الله» به گفتگویی خیالی درباره حکومت و نظام مشروطیت می نشیند. این رساله، مستندترین متنی است که می تواند اندیشه سیاسی حوزه علمیه اصفهان را در عصر مشروطه به صورت مکتوب به تصویر بکشد. نویسنده رساله همانند مرحوم نائینی در تنبیه الامه و تنزیه المله اما به زبانی ساده، روایتی اسلامی از نظام سیاسی مشروطیت ارائه می کند. در ادامه با بررسی این رساله، سعی بر این است تا نگاه حاج آقا نورالله درباره مؤلفه های حکمرانی خوب را تبیین کنیم.

د) حاکمیت قانون

پیش تر در بخش اول این مقاله به اهمیت مسئله حاکمیت قانون در حکمرانی مطلوب اشاره کردیم و این مهم را از منظر مؤسسه های جهانی تبیین کردیم. در این بخش قصد داریم نگاهی به اهمیت قانون و حاکمیت آن در سیستم حکمرانی از منظر حاج آقا نورالله داشته باشیم. همان طور که اشاره شد، یکی از اصلی ترین خواسته های علمای حامی نهضت مشروطه، حاکمیت قانون بر سیستم اداره کشور بود؛ قانونی که برآمده از شریعت و در کنار آن خواست و صلاح مردم باشد. پس قانون خواهی از مهم ترین اهداف مشروطه خواهان بوده است. در رساله مکالمات مقیم و مسافر نیز بارها به مسئله حاکمیت قانون اشاره شده است. نویسنده در این رساله سعی دارد که مشروطه و قوانین



آن را مطابق با شریعت معرفی کند. در بخشی از رساله، شخص مقیم با انتساب خرابی‌های حادث شده به جریان مشروطیت، به نوعی جریان مشروطیت را بدعتی جدید عنوان می‌کند که مطابق با سنت رسول خدا ﷺ نیست. در بحث‌هایی درباره حاکمیت قانون در رساله، عمده تلاش حاج آقا نورالله بر این است که مشروطیت را احیاگر قوانین و سنت رسول خدا ﷺ و شریعت جلوه دهد. در پاسخ به همین اشکال مقیم، حاج آقا نورالله از لسان مسافر این گونه پاسخ می‌دهد:

برای خیلی از شما این مطلب غریب است که می‌فرمایید مشروطه، مطلب تازه و جدید است. اشتباه نشود، بدانید اینکه مشروطین می‌گویند همان قانون و دستورالعمل حضرت خاتم‌الانبیا ﷺ را می‌طلبند؛ امر حادث و تازه نیست. نهایت چون هزار و سیصد و چند سال است، رفته‌رفته از بین رفته، حال که طلب تجدید اثر می‌کنند، خیال می‌کنند حادث و جدید است (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۱۰).

پس از انتساب قانون مشروطه به قانون رسول خدا ﷺ، شخص مشروعه‌خواه یا همان مقیم درباره تفاوت بین سلطنت مطلقه و سلطنت مشروطه از مسافر سؤال می‌پرسد. مسافر با شرح این مسئله که در سلطنت مطلقه، قانون، قول و فعل سلطان است؛ حتی اگر مطابق با قانون مملکت، صلاح و شرع نباشد، از آن انتقاد می‌کند و این نوع قانون را سبب تباهی می‌داند. اما در تبیین سلطنت مشروطه این گونه عنوان می‌دارد:

در صورتی اطاعت، امر و حکم آن پادشاه یا حاکم یا آقا لازم می‌شود که قول، امر و فرمان او مطابق با قانون مملکت باشد. یقین باشد که اگر حکمی برخلاف قانون از او صادر باشد، مطاع نخواهد بود. پس در حقیقت در سلطنت مشروطه، حاکم قانون است و شاه، امیر، حاکم، قاضی و آقا، بیان آن قانون را می‌نمایند و چون در مملکت اسلامی قانون کتاب الله و سنت پیغمبر است، در سلطنت مشروطه، اگر حکم هر حاکمی مطابق با قانون اسلام باشد، مطاع است و اگر از روی هوای نفس باشد و وجود غرضی برخلاف قانون اسلام حکمی بنماید، به هیچ وجه مطاع نخواهد بود (همان: ۳۱۱).



حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی در ادامه در پاسخ به مقیم درباره چگونگی انتساب مشروطیت و قانون خواهی به رسول خدا ﷺ می گوید که پس از مبعوث شدن رسول خدا، عده‌ای او را پادشاه و سلطان خطاب کردند، اما آن حضرت خود را پیغمبر معرفی کرد:

اینکه رسول خدا فرمودند من پیغمبرم، یعنی از خود امر و نهی ندارم و از جانب خدا پیغام آورده‌ام. به مصداق «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»،^۱ احکام من از خودم نیست و از جانب خالق عالم است که بالملازمه، دلالت دارد بر اینکه چیزی اگر بگویم که مطابق با حکم و قانون خدا نباشد و از روی هوا باشد، اطاعت آن لازم نیست. چه من پادشاه نیستم، بلکه پیغمبرم و حکم دیگری را بر شما ابلاغ می‌کنم. چنانچه پس از وفات آن حضرت، تاسی و اندی سال هر وقت که می‌خواستند مسلمانان با خلیفه بیعت کنند، بیعت مشروطه می‌کردند و می‌گفتند: «عَلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ»؛ یعنی با تو بیعت می‌کنم که اطاعت امر و حکم تو را بنمایم، مشروط به اینکه او امر تو مطابق با کتاب الله و سنت باشد. یعنی اگر تو از جانب خودت حکمی و امری بنمایی، اطاعت نداریم. این است حقیقت سلطنت مشروطه و این قانون مشروطه از اول اسلام بود تا زمان معاویه که در اخبار مسلم است که معاویه، عنوان خلافت را به سلطنت مبدل نمود (همان: ۳۱۲).

در جای دیگری از رساله، بنا به درخواست مقیم، مسافر تفاوت‌های بین حکومت مستبده و مشروطه را بیان می‌کند که در ذکر پنجمین تفاوت می‌گوید:

مشروطه می‌گوید مطابق حکم الهی در تمام حدود و مجازات ما بین تمام افراد خلق حکم تساوی باید باشد و حکم الهی بر وضع و شریف، کوچک و بزرگ یکسان باشد. کسی که شرب خمر یا قتل نفس یا زنا یا لواط یا سرقت نمود. خواه حاکم یا محکوم، امیر یا مأمور باشد، در حکم شریک باشند (همان: ۳۲۵).

نویسنده در اهمیت حاکمیت قانون عادلانه بر کشور تصریح دارد: «در مملکت باید قانون عدل





مجری باشد و هیچ‌کس بر دیگری ظلم و ستم نکند و کسی را به ناحق حبس نکرده و صدمه و اذیت نکنند و زنجیر نمایند و هتک عرض و فحاشی نکرده، بد نگویند» (همان: ۳۲۷).

ن) پاسخگویی

حاج آقا نورالله در قالب مثال، پاسخگویی در مشروطه را این‌گونه توصیف می‌کند: «اگر حاکمی به جایی رفت و ظلم کرد، دیگر او را به حکومت نفرستند یا اینکه وزرا به پادشاه اگر خلاف کنند، باید عزل او را از پادشاه بخواهند» (همان: ۳۱۴).

از نظر او، یکی از وظایف اصلی مشروطه، مشورت و تلاش برای عمران و آبادانی کشور است، اما مجلس و حکمرانی را پاسخگو به مردم معرفی می‌کند. «به مقتضای «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» در ترقی ملت و راه ترویج تجارت، صناعت و فلاحت در این مجلس که او را دارالشوری می‌نامند، مشورت کرده و نتیجه را به ملت اعلام نمایند» (همان: ۳۱۹).

این پاسخگویی شامل شفافیت مالی نیز می‌شود: «تمام وجوهی را که از آنها می‌گیرند، به اطلاع وکلای مجلس دارالشوری، بلکه به اطلاع تمام افراد ملت به مصارف خود آنها رسانیده، دیناری از آن را در غیر مصالح ملت و مملکت صرف نمایند» (همان: ۳۲۱).

ضمانت اجرای این شفافیت نیز با مجازات قضایی همراه است. ایشان در شمارش ویژگی‌های مشروطه، در دهمین ویژگی متذکر می‌شود: «حاکمی را که به محلی تعیین می‌کنند، مواجبی از برای او قرار بدهند که تعرض و طمع به مال و جان مسلمانان نکند و اگر کسی زیاده از دستورالعمل مقرر گرفته، مجازات شود که دیناری نتواند زیاده بر حق طمع کند، یا تعدی نمایند» (همان: ۳۲۸).

و) مشارکت

علاوه بر اینکه مفهوم مشارکت، همبستگی بالایی با مفهوم مشروطه داشته و دارد، در رساله مکالمات مقیم و مسافر نیز به صورت ضمنی به اهمیت مشارکت در حکمرانی مطلوب و مورد نظر حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی اشاراتی شده است. باین حال واژه مشارکت، واژه‌ای جدید به حساب می‌آید. با کمی فحوص در ادبیات دوره قاجار و مشروطه می‌توان پی برد که دخالت مردم در





تصمیم‌گیری‌ها به‌نوعی معادل مفهوم مشارکت در ادبیات حکمرانی معاصر است. حاج آقا نورالله این ایده را محصول تمدن غرب نمی‌داند و عمر آن را هم‌تراز با خلقت انسان عنوان می‌کند:

مشورت کردن و دارالشوری داشتن، از اول خلق عالم و آدم بوده است. تمام عقلای عالم از انبیا، سلاطین و علما در اموری که باید مشورت کنند، مشورت می‌کردند. اگر بخواهم شرح و بسط بدهم، خیلی طول می‌کشد. قبل از حضرت رسول ﷺ یک قصه عرض می‌کنم که حال از قرآن مجید به نظر آمد و آن، قصه حضرت سلیمان علیه السلام و بلقیس است که چون نامه حضرت سلیمان علیه السلام به او رسید، وزرا و عقلای مملکت خود را جمع کرد: «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ»^۱؛ یعنی ای جماعت رأی بدهید که من جواب حضرت سلیمان علیه السلام را چه بدهم. من ابداً کاری را بی مشورت شما نمی‌کردم و حکم نمی‌نمودم تا شما حاضر نمی‌شدید رأی نمی‌دادید. پس معلوم می‌شود دارالشوری و مشورت کردن از فرنگان نیست، همه وقت بوده است. آمدیم به زمان صاحب شریعت مطهره علیه السلام، حضرت رسول همه‌وقت در اموری که قابل مشورت بود با اصحاب مشورت می‌فرمود. با اینکه عقل کل بود و حاجت به مشورت نداشت، محض ارشاد بوده است. مخصوصاً در جنگ‌ها و غزوات و طریق حمله یا مدافعه دشمن، مشورت می‌فرمود و در قصد حفر خندق رأی سلمان را اختیار فرمود که عرض کرد: در عجم خندق حفر می‌نمایند. در قرآن مجید است تعریف مؤسسين؛ می‌فرماید که «وَأَمْزُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»^۲؛ یعنی آنها کارشان از روی مشورت است. تو هم با اصحاب مشورت بکن و آنها را طرف مشورت قرار بده که این مطلب نهایت مرحمت در حق آنها بوده است. و اما اخبار در باب مشورت بسیار است. برای شما دو خبر دارم: قال علیه السلام: «مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَلْبَابِ ذُلَّ عَلَى الرَّشَادِ»^۳؛ یعنی

۱. سوره مبارکه نمل، آیه ۳۲

۲. سوره مبارکه شوری، آیه ۳۸.

۳. بحارالانوار، جلد ۷۵، صفحه ۱۰۵.

هرکس که مشورت کند با صاحبان عقل، دلالت می‌شود بر رشاد. و قال عليه السلام:
 «الْإِسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهَدَايَةِ»؛ یعنی مشورت کردن چشمه هدایت است (همان:
 ۳۱۶-۳۱۵).

در جای دیگری از رساله، مقیم با بیان اینکه اگر شخصی که سلطنت را می‌پذیرد فردی فرهیخته، عالم، عادل، ملت‌دوست و دیندار باشد که به دنبال اجرای احکام الهی است، به دنبال اثبات عدم لزوم مشروطه و به‌ویژه دارالشوری برمی‌آید که مسافر به دوروش درصدد پاسخ به مقیم برمی‌آید:

آن پادشاه هر قدر عادل، عاقل و کافی باشد، یک عقل که زیاد ندارد و در امور مملکت که صلاح و فساد هزاران نفوس باید رعایت شود و عقول کثیره در کار باشد، بهتر است یا یک عقل پادشاه که معصوم نیست، لابد خطا می‌کند؟ البته اگر دارالشوری منعقد کند و امور مملکت را مشورت نمایند و عقول عقلا، علما و دانایان مدد عقل او شوند، بهتر است (همان: ۳۳۹).

ه) شفافیت

در نظر حاج آقا نورالله، شفافیت با نظارت به هم گره خورده‌اند و از همین روی، در چندین نوبت اشاراتی به شفافیت تصمیم‌گیری دولت و ارائه این تصمیمات به مجلس و مردم داشته است. حاج آقا نورالله راهکار مقابله با پنهان‌کاری و فساد را نظارت می‌داند که زمینه‌ساز شفافیت خواهد بود. وی در توصیف عملکرد دارالشوری در نظارت بر دولت و ایجاد شفافیت برای جلوگیری از فساد می‌گوید:

در مجلس قانون می‌گذارند که چه قسم محکمه‌های عدلیه را برقرار نمایند و چند نفر اشخاص متدین بی‌غرض در مجلس عدلیه بنشینند که حکم خدا جاری بشود و حاکم نتواند رشوه بگیرد یا حق را باطل کند. یا اینکه اگر شخص ضعیفی عارض شود از شخص قوی، حاکم نتواند ملاحظه از آن قوی بکند. لهذا قانون عدلیه

می‌نوشتند، کارها را تجزیه می‌کردند که کار به دست یک نفر نباشد و رشوه بگیرد یا ملاحظه بکند (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۱۴).

در سطور بعد برای بار دیگر نبود عدالت را در سیستم غیرشفاف بازگو می‌کند:

این وجوهی که به‌عنوان مالیات از رعیت گرفته می‌شود، به‌طور عدل، انصاف و صحت باید باشد. نه اینکه یک مالک که دارای هزار تومان عایدی است، ده تومان مالیات بدهد یا معاف باشد، یا یک چیزی هم دستی بگیرد و یک مالک که صد تومان عایدی داشته باشد، نود تومان مالیات از او بگیرند. و باید ضعیف و قوی یکسان باشند (همان).

مسئله ظلم‌های مالیاتی و فساد مالی از مسائلی است که در جای‌جای رساله به آن اشاره شده است و حاج‌آقا نورالله از جمله راهکارهای جلوگیری از این دست مظالم را شفافیت می‌داند:

در تمام دنیا هر دولت حسابی که از رعایای خود پولی می‌گیرد، فرض ذمه خود دانسته که آن پول را در طرق خیر و فائده ملت خود صرف کند و به‌عبارت آخری، داخله مملکت را از بی‌نظمی و بی‌قانونی محفوظ و حقوق ملت را در خارجه محروس دارد و یکی از شروط درست و حسابی آن دول، همین است که هر ساله، بلکه هر شش‌ماه صورت دخل و خرج خود را به‌ترتیب صحیحی به ملت اعلام کنند تا بفهمند که هرچه داده‌اند به جهت حفظ مصالح خودشان مصروف گردیده و از طرف دولت متبوع‌شان اجحافی در این باب نگشته. یا مثلاً پول مالیاتی که کدیمین و عرق جبین کارکنان و مزدوران و سایر اصناف خلق حاصل گشته، در وجه تکفیات مشتی جاهل بی‌دین که متاع‌شان در بازار دربار رواج است، خرج نشده است. اما در ایران نه‌تنها باید رعیت بی‌خبر بماند از اینکه مالیات مملکت به کجا می‌رود، بلکه بزرگان مملکت هم بایست از صورت دخل و خرج ابداً اطلاعی نداشته باشند. و جرئت اینکه بتوانند، گاهی بگویند که این همه پول نقد و آن مقادیرهای گزاف جنس که از دست رعیت به در رفته و داخل در تصرف دیوانیان می‌شود، آخر کارش به کجا خواهد رسید؟ (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۴۷-۳۴۶).

به نظر می‌رسد مشروطیت را بتوان از این منظر مورد توجه قرار داد که این نهضت، پاسخ تاریخی نخبگان جامعه ایران به نیاز و سؤال بزرگ عصر قاجار، یعنی کارآمدی، بوده است. از مجموعه آثار نخبگان اجتماعی و حتی گفتگوهای مسئولان عالی حکومتی و شاید پیش از آنها در پرسش عباس میرزای ولیعهد، چنین برمی‌آید که آنها دریافته بودند که در برابر دنیای جدید، سیستم حکمرانی ایشان دیگر کارآمد نیست. این کارآمد نبودن را در بخش‌های مختلف جامعه آن روز ایران، از اقتصاد و صنعت و تجارت گرفته تا نظامی و علمی و کشورداری می‌توان مشاهده کرد. حاج‌آقا نورالله نیز در جای‌جای رساله خود، به صورت غیرمستقیم بر کارآمدی تأکید دارد و مشروطه را بازگشت به دوره کارآمدی حکمرانی اسلامی معرفی می‌کند. وی مشروطه را به حکومت نبوی منتسب می‌کند و اضمحلال مشروطیت را به دوران بنی‌امیه نسبت می‌دهد، اما در پاسخ به مقیم که چطور به‌رغم برچیده شدن مشروطه نبوی از دوره بنی‌امیه، تا سالیان سال هنوز حکمرانی کارآمدی داشته، اما اکنون کارآمدی خود را از دست داده است، این‌گونه توضیح می‌دهد:

علت آن بود که هرچند ظلم از سلاطین اعصار و رجال دربار بسیار بود، لکن اصل اساس اسلام، محفوظ و به‌واسطه قدرتی که سلاطین اسلام داشتند، هجوم اجانب و تسلط خارجه و اضمحلال محکمه اسلام بالکلیه نمی‌شد. اما این اوقات که سلاطین، بیت‌المال مسلمین را خرج شهرت‌رانی و مصارف مضره به اسلام و تضعیف مسلمین نمودند و معاهده دول همجوار هم تمام شده و ما را مال‌المصالحه قرار داده و از برای دولت ما مقاومت با هیچ‌یک از آنها به‌قدر یک ساعت نبود، ناچار به جهت حفظ اسلام در مقام احیای قانون مشروطه و اتحاد و اتفاق و احیای عدل و مساوات که از اول امر هم مایه ترقی اسلام بود، برآمده که به این وسیله، اسلام را محفوظ و مسلمین را قوی و به فواید دینی و دنیوی محفوظ دارند (همان: ۳۱۳).

حاج‌آقا نورالله نجفی اصفهانی آنچنان به کارآمدی مشروطیت باور دارد که در برابر سؤال مقیم که آیا مشروطه راه حل حفظ اسلام، نجات ملت و ترقی مملکت است یا خیر؟ می‌گوید:



بلی به این اساس، رفع تمام نواقص و استحکام اسلام و قوام ملت و ترقی مملکت اسلامی می‌شود؛ چنانچه اول اسلام که ضعف مسلمین به درجاتی از حیثیت عده و عده زیاده بر این بود، چهار نفر عربِ سروپا برهنه، به این قانون مشروطه، حاکم دو ثلث روی زمین و صاحب آن همه عزت و قدرت و تمکین شدند (همان: ۳۱۳).

وی معتقد است که از جمله کارهای مشروطه، کارآمد کردن درآمدهای مالیاتی کشور است و از این رو به تعریف هزینه کردن کارآمد از درآمدهای مالیاتی می‌پردازد:

این اموالی که به اسم مالیات و وجوهات از ملت فقیر بیچاره و نتیجه یک ساله زحمت فقرا و ضعفا است، می‌گیرند، باید صرف امور و اصلاح خود رعیت بشود که رواج تجارت و صناعت آنها را بدهند و طرق و شوارع آنها را مأمن و اسباب آلودگی آنها را فراهم و ارزاق آنها را ارزان نمایند و حفظ حدود و ثغور مملکت اسلامی کرده و از هر جهت ملت نجیب و فقیر را از قید اسارت و مذلت برهانند (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۲۱-۳۲۰).

و در جای دیگر این‌گونه می‌افزاید: «باید کاری کرد که در مملکت زراعت، تجارت و فلاح ترقی کند و مردم صاحب ثروت و مکنت باشند که هم موجب مزید ثروت پادشاه شود و هم اسباب سرافرازی او گردد» (همان: ۳۳۱).

حاج آقا نورالله درباره صادرات و واردات کالاها نیز می‌گوید: «باید اسباب کسب و تجارت داخله را فراهم آورد که از اول صادرات مملکت به قدر واردات باشد که این قدر پول از ایران خارج نشود. نقره هم مثل طلا در ایران حکم عنقا را پیدا نکند و بالمره سرمایه تجارت از دست نرود» (همان).

البته این کارآمدی صرفاً در عرصه اقتصادی منحصر نمی‌شود و شرایط سخت و برهم‌ریخته اقتصادی باعث نمی‌شود که حاج آقا نورالله از مسئله کارآمدی در حوزه علم و فرهنگ غافل شود.

باید در مملکت ترویج علم و معارف کرد. باید در تمام شهرها مدارس علمیه دایر کرد و مدارس ابتدائیه، متوسطه و عالییه که تمام اطفال مردم را به تعلیم و تعلم گذارد که همه صاحب علم و ثروت شوند: اولاً، خواندن و نوشتن را همه کس بدانند و بتواند آداب دین و اسلام را به قاعده به آنها یاد بدهند و اطفال را در مدارس، دو سه صنعت یاد بدهند که راه معاش داشته باشند و برای اطفال فقرا، مدارس

مجانی باز کنند که بروند آنجا تحصیل علوم نمایند و مثل حالا نباشد که از میان صد نفر، یک نفر خواندن و نوشتن را نمی‌داند و قرآن که کتاب مذهبی اسلام است، نمی‌تواند بخواند (زرگری نژاد، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳۳۲).

وی کارآمدی مشروطه در حوزه صنعت، معدن و تجارت را نیز این‌گونه تشریح می‌کند:

مشروطه می‌گوید باید تشکیل کمپانی‌های بزرگ تجارتي در مملکت کرد و از دولت مشروطه کمک به رعایا نمود و معادن را بیرون آورد، کارخانجات دایر کرد، ثروت مملکت را باید زیاد کرد، به اهل زراعت کمک کرد، زراعت را توسعه داد، تجارت را ترویج کرد تا هم برای بیکارهای رعایا کار پیدا شود که از گرسنگی نمیرند و به گدایی نیفتند و هم به دولت فایده برسد و خزانه معمور شود (همان: ۳۳۳).

ایشان در بخش‌های پایانی رساله نیز دلیل شکست‌های پی‌درپی و ضعف مملکت در برابر دول بیگانه را همین ناکارآمدی می‌داند که نتیجه سلطنت مطلقه و حکومت مستبده است و معتقد است مشروطه به دنبال عوض کردن شرایط پیش‌آمده در ایران است. وی در ادامه این‌گونه مقصود و هدف مشروطه‌طلبان را برای مقیم عنوان می‌دارد:

مقصود اصلی ما از بذل این همه جد و جهد در استقرار مشروطیت که اولیای دولت و عقلای ملت، شب و روز درصدد می‌باشند، رواج تجارت، صنعت، فلاح و زراعت است که به هر وسیله که باشد فقر و فاقه را از ملت اسلام دور کنند و اسباب تحصیل و شغل از برای بیکارها و بیچارگان پیدا نمایند و خلق را از آتش فقر و فاقه نجات دهند و معادن آنها را که گنج‌های خداداده است، استخراج نمایند و ابواب ثروت و مکننت را به روی آنها بکشایند. وقتی عامه ملت دارای ثروت و مکننت شدند، دارای عزت و شرف می‌شوند. وقتی دارای عزت و شرف شوند، درصدد تحصیل اسباب و آلات دفاعیه برمی‌آیند و وقتی دارای اسباب دفاعیه شدند، مملکت، مسلمین و اسلام از تعدیات خارجه مانع می‌شوند و این است معنای خیر دنیا و آخرت و سعادت دارین که در دعا می‌خوانی (همان: ۳۶۱-۳۶۰).

۴-۲. تحلیل و بررسی

دیدگاه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی درباره حکمرانی می‌تواند واجد مؤلفه‌های متعددی باشد، اما به‌حسب اقتضای مقاله، در این پژوهش سعی شد تا با تکیه بر پنج مؤلفه، این دیدگاه صورت‌بندی شود. دیدگاه ایشان، واجد انسجامی نسبی است که براساس یک مبنای روشن فقهی - اصولی، سعی کرده است در مواجهه با مسئله روز در آن دوره، صورت‌بندی کند. همان‌طور که از صورت‌بندی ایشان درباره این پنج مؤلفه آشکار شد، وی براساس مبنایی ثابت که آن را از الگوی حکمرانی سده‌های گذشته اسلامی، به‌ویژه صدر اسلام، اخذ کرده و براساس مبنای فقهی - اصولی بازخوانی می‌کند (به‌عنوان جهان اول و دوم)، می‌کوشد نشان دهد که الگوی حکمرانی اسلامی، اگرچه در وضعیت فعلی این دوره دچار مشکلات و آسیب‌هایی شده است (جهان دوم و سوم)، اما در اصل، تضادهایی با اصول مذکور که در دوره مشروطه به‌عنوان مسئله اصلی ایشان (جایگاه مسئله در تکوین نظریه در روش‌شناسی بنیادین) مطرح شده است، ندارد.

با این حال در هر پنج مؤلفه، وی متذکر می‌شود که آنچه در الگوی مشروطه غربی مطرح می‌شود، به‌مراتب در الگوی حکمرانی اسلامی صدر اسلام بهتر یافت می‌شود. بنابراین در هر پنج مؤلفه، می‌توان حداقل این سه اصل ثابت را در نظریه ایشان دنبال کرد: ۱. الگوی حکمرانی اسلامی در گذشته، به‌ویژه صدر اسلام، الگوی مترقی و مخالف با الگوی استبدادی جاری در ایران است؛ ۲. آنچه غربی‌ها یا فرنگی‌ها به‌عنوان الگوی مشروطه مطرح می‌کنند، تنها الگوی مطلوب رایج نیست و معانی آنها در الگوی اسلامی مطلوب گذشته وجود داشته است؛ ۳. امکان احیای این الگو در دوره مشروطه وجود دارد و می‌توان آن را اجرا کرد.

۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱. بحث

نهیض مشروطه‌خواهی، اولین نهضت فکری و سیاسی است که شیوه حکومت و اندیشه حکمرانی را که قرن‌ها در ایران به‌عنوان اصلی حکومتی پذیرفته شده بود، به چالش کشید. این چالش دو پاسخ متضاد با یکدیگر یافت: در یک سو مشروطه‌خواهی، امری غربی محسوب می‌شد و در

سوی دیگر، علمای دینی سعی داشتند نشان دهند که مشروطه‌خواهی از اساس در اسلام و تعالیم اسلامی آن، وجود داشته است. اگرچه در دوره مشروطه، مفهوم و لفظ حکمرانی رایج نیست، اما با تورق در آثار متفکران همان عصر متوجه می‌شویم آنچه امروز به‌عنوان مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب از آن نام برده می‌شود، جزء مسائل مورد توجه اندیشمندان آن عصر نیز بوده است، زیرا هر مدل از حکمرانی باید برای مسائلی همچون جایگاه قانون، مشارکت مردم و حکومت با یکدیگر، پاسخگو بودن دولت به نهادهای نظارتی و مردم، شفافیت در عملکردها، برنامه و تصمیمات و کارآمدی شیوه حکمرانی، ایده و پاسخی قابل دفاع داشته باشد و آثار و افکار اندیشمندان مشروطیت از این قاعده مستثنا نبوده‌اند.

در این میان و در بین اندیشمندان پرآوازه دوران مشروطه و آثار پربار ایشان، در این پژوهش به بررسی اندیشه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی رحمته‌الله علیه و رساله گرانمایه او، یعنی رساله مکالمات مقیم و مسافر پرداخته شد تا با بازنگری در این رساله، تصویر جدیدی از پاسخ به مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب به دست بیاید. این رساله به دلیل کمتر پرداخته شدن و مهجور ماندن از یک سو و زبان ساده محاوره و داستانی همه‌فهم، از سوی دیگر مورد توجه است. در کنار اهمیت این رساله، شخصیت و جایگاه دینی، سیاسی و اجتماعی شخص حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی رحمته‌الله علیه که از بازیگران اصلی جنبش مشروطه به‌شمار می‌آمد، خود دلیلی محکم برای پرداختن به این رساله و این شخصیت است. از آنجایی که در شکل‌گیری هر نظریه به‌خصوص در حوزه علوم انسانی، باید به زمینه‌های معرفتی و غیر معرفتی فردی و اجتماعی توجه ویژه داشت، بهترین روش برای مطالعه و توجه به این زمینه‌ها، روش‌شناسی بنیادین معرفی شده از سوی دکتر پارسائیان بود. به همین دلیل، روش مطالعه در این پژوهش نیز روش بنیادین انتخاب شد تا بتوان در کنار فهم نظریه حکمرانی مدنظر حاج آقا نورالله و نگاه ایشان به مؤلفه‌های مطرح‌شده، زمینه‌های معرفتی و غیر معرفتی فردی و اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری آنها را نیز به‌خوبی درک کرد. در روش بنیادین برای شناخت هر نظریه باید به مقام نفس الامر آن نظریه توجه داشت.

در بررسی شخصیت علمی و فکری حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی و آنچه در مطالعه رساله ایشان در باب مشروطیت، یعنی مکالمات مقیم و مسافر به دست می‌آید، حقایق نفس‌الامری که



می‌توان درک کرد، آیات و روایاتی است که حاج‌آقا نورالله نجفی اصفهانی با توجه به آنها و قرائتی که ایشان از این آیات و روایات و مجموعه گزاره‌های اسلام به امر سیاسی، براساس روش اصولیون دارد، به دفاع از دیدگاه مشروطه می‌پردازد و در ادامه با توصیف حکومت مورد نظر خود، مؤلفه‌هایی را برای حکومت و حکمرانی مطلوب ارائه می‌دهد. در این میان، خود حاج‌آقا نورالله اصفهانی به مثابه جهان دومی است که سعی در تشکیل نظریه خود با استفاده از فهم و اخذ حقیقت از حقایق نفس‌الامری را دارد و به تشریح آنچه اخذ کرده در قالب رساله مکالمات بین مقیم و مسافر می‌پردازد. همچنین، مشی اصولی و عقلانی ایشان در متن رساله امری مشهود است.

حاج‌آقا نورالله نجفی اصفهانی از عصر معاصر خود منقطع نیست و به وقایع در حال رخداد در جهان غرب واقف است و این مسئله هم در تحلیل‌ها و پاسخ‌های ایشان در متن رساله و هم در مشی سیاسی‌شان در مبارزات علیه استبداد، امری روشن است. این در حالی است که کوچک‌ترین اتفاق در کشور نیز از چشم وی پنهان نمی‌ماند و این را در داستان‌هایی که در میان بحث‌های مقیم و مسافر ذکر می‌کند، می‌توان مشاهده کرد. در واقع، باید حاج‌آقا نورالله نجفی اصفهانی را از مصادیق بارز عالم آگاه به زمانه معرفی کرد. همین امر نیز باعث تسلط وی در ارائه نظریه حکومت مشروطه از باب دینی و تبیین آن شده بود. در این پژوهش به دلیل اهمیت بحث، فصلی به صورت مجزا به بررسی وقایع مشروطه و بسترهای تاریخی شکل‌گیری آن، چه در تهران و چه در اصفهان، اختصاص داده شد تا تأثیر حوادث تاریخی و رویه شکل‌گیری نظریه حکمرانی در اندیشه وی در بستر تاریخی ایشان به خوبی نمایش داده شود.

۲-۵. نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح‌شده و براساس یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که حاج‌آقا نورالله به خوبی می‌دانست که برای تغییر شاکله حکومت و ارائه روشی جدید در شیوه حکمرانی، باید ارتباط آن را با سنت اسلامی برای مردمی که قاطبه ایشان خود را تابع سنت اسلامی و شریعت نبوی می‌دانستند، تبیین کند. به همین دلیل آنچه مخاطب در رساله مکالمات مقیم و مسافر با آن مواجه است، تطبیق و تبیین امر مشروطه با شریعت اسلام و پاسخگویی به شبهات در این زمینه است. با



وجود این، در خلال این پاسخگویی‌ها و رفع شبهات در متن رساله، حاج آقا نورالله توانست با ظرافت و دقتی عالمانه، مؤلفه‌های حکومت و حکمرانی مطلوب را توصیف کند و آنها را به نمایش بگذارد. از قضا با مطالعه تطبیقی بین آنچه امروز به‌عنوان مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب از سوی بانک جهانی و سایر مؤسسات پژوهشی در این حوزه معرفی شده است و رساله مکالمات مقیم و مسافر حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی، به این مهم می‌توان دست یافت که حاج آقا نورالله در رساله خویش به بسیاری از مؤلفه‌هایی که بعدها به‌عنوان مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب برشمرده شده، اشاراتی داشته و با بیان مستقیم و غیرمستقیم در رساله، آنها را از ملزومات حکمرانی مطلوب معرفی کرده است. بنابراین، با وجود بسیاری از انتقادات مبنی بر اینکه مفهوم حکمرانی مطلوب و مؤلفه‌های آن مفهومی جدید است و شخصیت و رساله مورد مطالعه با این گزاره فاصله زمانی زیادی دارد و همچنین مؤلفه‌های مورد نظر از این رساله قابل احصا نیست، این رساله ثابت کرد که به‌رغم این اختلاف زمانی، مؤلفه‌های مطرح‌شده در باب حکمرانی مطلوب در رساله مکالمات مقیم و مسافر حاج آقا نورالله، مورد توجه ایشان بوده است.

۳-۵. پیشنهادها

- با توجه به گستردگی و اهمیت مسائل مربوط به حکمرانی در دوره معاصر و ضرورت بهره‌گیری از آرای متفکران مسلمان ایرانی در این موضوع، براساس یافته‌ها و نتایج پیشنهاد می‌شود:
- این موضوع در آثار و آرای سایر متفکران تاریخ ایران معاصر مورد مطالعه و پژوهش قرار گیرد، زیرا مطالعه در این زمینه و فهم بستر تاریخی و معرفتی متفکران هر عصر می‌تواند حتی سبب حصول رهیافت‌های جدید در مدل و شیوه حکمرانی در عصر حاضر نیز باشد.
 - مطالعات تطبیقی در این حوزه بین متفکران اسلامی و غیراسلامی و حتی در میان متفکران اسلامی می‌تواند در ایجاد رشد و پویایی در زمینه مطالعات و ترسیم چشم‌انداز در شیوه حکمرانی مطلوب در آینده مفید و کمک‌کار اندیشکده‌ها در این حوزه واقع شود.



۶. منابع

۱-۶. منابع فارسی

- ابطحی، محمدتقی (۱۳۷۰). جنبش مشروطیت. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۵۵۵، سوم اسفند. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳). المآثر و الآثار، تهران، اساطیر.
- امامی، محمد و شاکری، حمید، (۱۳۹۵). حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش نامه حقوق تطبیقی، (۲)، ۵۷-۲۵.
- امینی، داوود (۱۳۸۵). بررسی نقش حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی در انقلاب مشروطیت و رهبری مشروطه خواهان اصفهان. گنجینه اسناد، ش ۶۲، ۵۴-۲۵.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۱). شرح حال رجال ایران در قرن های دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم، تهران، انتشارات زوار.
- بشیری، احمد (۱۳۶۲). کتاب آبی. ج ۱، تهران، نشر نو.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۲). نظریه و فرهنگ، روش شناسی بنیادین تکوین نظریه های علمی. راهبرد فرهنگ، ۲۳، ۷-۲۸.
- تقوایی، علی اکبر و تاجدار، رسول (۱۳۸۸). درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی. فصلنامه مدیریت شهری، ۲۳، ۵۸-۴۵.
- جوانی، احمد (۱۳۸۹). اندیشه سیاسی حاج آقا نورالله در مشروطه اصفهان. معرفت، ۱۵۳، ۹۶-۸۷.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۳). آیت الله نورالله اصفهانی در آیین روزنامه های عصر مشروطیت. تاریخ معاصر ایران، ۳۰، ۱۲۰-۱۰۵.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۴). رسائل مشروطیت، ۲ جلد، چ اول، تهران، نشر کویر.
- ژوبر، پیرآمده ایمیلین (۱۳۹۵). مسافرت به ارمنستان و ایران، ترجمه محمود مصاحب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- سردارنیا، خلیل الله و شاکری، حمید (۱۳۹۳). تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه گرا. مجله مطالعات حقوقی، ۶ (۴)، ۵۳-۲۷.

- سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۱). شاخص‌های حکمرانی خوب شهری در چهارچوب نظریه سیستمی. مجموعه مقالات همای علمی حکمروایی خوب شهری، ج اول، تهران، تیسرا.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰). سرمایه اجتماعی؛ مفاهیم اصلی و چهارچوب نظری. فصلنامه علمی - پژوهشی مددکاری اجتماعی، ۸، ۵-۱۸.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۹۳). ایران در دوره سلطنت قاجار. چ دوازدهم، تهران، مدبر.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۷۰). مشروطیت در ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- صفایی، ابراهیم (بی‌تا). ده نفر پیشتان، بی‌جا.
- صوفی نیارکی، تقی (۱۳۸۴). حیات و اندیشه سیاسی حاج آقا نورالله اصفهانی قدس سره» (حکومت «قدرمقدور» در رساله مکالمات مقیم و مسافر). زمانه، ۳۵، ۳۲۰-۲۷۵.
- فوکو، میشل (۱۴۰۰). دیرینه‌شناسی دانش، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، نشر نی.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷). حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران، با همکاری مرکز تحقیقات استراتژیک و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- کمیحانی، علی؛ عیوضی، محمدرحیم؛ بزرگمهری، مجید و نظامی‌پور، قدیر (۱۳۹۸). سیمای حکمرانی مطلوب در آینده پژوهی از تصویرپردازی تا شکل‌دهی آینده. آینده‌پژوهی ایران، ۴(۱)، ۲۳۵-۲۰۷.
- کوهن، توماس (۱۳۸۴). ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه سعید زیباکلام، تهران، انتشارات سمت.
- مدرسی، علی (۱۳۶۶). مدرس، ج ۱، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
- مرکز‌المیری، احمد (۱۳۸۵). حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- معاصر، حسن (۱۳۵۳). تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ج ۱، چ دوم، تهران، انتشارات ابن‌سینا.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۷۱). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، انتشارات علمی.
- مهدوی، سیدمصلح‌الدین (۱۳۶۷). تاریخ علمی و اجتماعی ایران در دو قرن اخیر، ج ۱، قم، خیام.
- میدری، احمد (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- نائینی، محمدحسین (۱۳۹۳). تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله، تصحیح سیدجواد ورعی، قم، بوستان کتاب.
- نجفی، موسی و حقانی، موسی (۱۳۹۲). تاریخ معاصر ایران، چ سوم، اصفهان، آرما.
- نجفی، موسی (۱۳۶۹). اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی. حوزه، ۴۲، ۱۲۳-۱۲۸.
- نش، کیت (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر.



نعمیان، ذبیح‌الله (۱۳۸۳). گفتگوی مقیم و مسافر»، زمانه، ۲۴، ۶۴-۵۲.

نعمیان، ذبیح‌الله (۱۳۸۳). نظریه‌های دولت بر بنیاد گفتمان ثابت سیاسی شیعه در اندیشه سیاسی «مرحوم محلاتی»، نائینی و حاج‌آقا نورالله اصفهانی»، ۵، ۱۳۸-۵۹.

هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان.

۶-۲. منابع لاتین

Graham, John Amos (۲۰۱۱). *Bruce and Time Plumtree Principles for Good Governance in the 21st Century*. Policy Brief No. ۱۵ August ۲۰۰۳.

Harris, J. David (۲۰۰۸). *A Discourse Analysis of Institutionalized in The Field of New Zealand Rugby 1885 and 2005*”. at Massey University, Palmerstone North and New Zealand, Book, online in English.

Kaufman, D, Kraay, A (۲۰۰۷). *Governance Indicators: Where Are We, where should we be going?* Global Governance Group.

Mobius M. (۲۰۱۲). *good governance is a global challenge*. corporate board, ۲۲(۳۱).

UN-HABITAT (۲۰۰۲). *The global campaign on Urban Governance*. www.unhabitat.org.

Welch, Gita; Nuru, Zahra (۲۰۰۶). *Governance for the future*. New York: UN-OHRLLS: UNDP (pp. ۱۸۶-۲۱۸).